

بررسی رابطه‌ی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی در دختران و پسران شیراز

Prevalence of symptoms of conduct disorder and oppositional defiant disorder in children with specific learning disabilities

Arash Aghighi

PhD in Clinical Psychology, Apadana University,
Shiraz, Iran.

Email: aghighi.arash@Email.com

Mahtab Foroutan

MSc in Clinical Psychology, Apadana University,
Shiraz, Iran.

Maryam Bagherpour

BSc in Clinical Psychology, Apadana University,
Shiraz, Iran.

آرش عقیقی*

دکترای روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آپادانا، شیراز، ایران.

مهتاب فروتن

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آپادانا، شیراز، ایران.

مریم باقرپور

کارشناس روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آپادانا، شیراز، ایران.

Abstract

Separation anxiety and early maladaptive schemas are significant constructs in explaining emotional vulnerabilities and interpersonal problems. Based on Young's schema therapy and Bowlby's attachment theory, unsafe and dysfunctional childhood experiences may contribute to the formation of maladaptive cognitive-emotional patterns and relationship-centered anxieties. This study aimed to investigate the relationship between early maladaptive schemas and separation anxiety in girls and boys in Shiraz. This descriptive-correlational study included adults aged 18 to 41 years in Shiraz with various marital statuses; 60 participants were selected via convenience sampling. Research instruments included the Young Schema Questionnaire (YSQ) and the Separation Anxiety Disorder scale by Manicavasagar et al. (2003). Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and simultaneous multiple regression. Results indicated a significant positive relationship between early maladaptive schemas and separation anxiety, with separation anxiety significantly predicting early maladaptive schemas. Furthermore, higher levels of separation anxiety were associated with increased

چکیده

اضطراب جدایی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه از جمله سازه‌های مهم در تبیین آسیب‌پذیری‌های هیجانی و مشکلات بین‌فردی محسوب می‌شوند. بر اساس نظریه طرحواره‌درمانی یانگ و نظریه دلبستگی بالبی، تجرب نامایمن و ناکارآمد دوران کودکی می‌توانند در شکل‌گیری الگوهای شناختی - هیجانی ناسازگار و اضطراب‌های رابطه‌محور نقش داشته باشند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی در دختران و پسران شهر شیراز انجام شد. این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری شامل بزرگسالان ۱۸ تا ۴۱ سال شهر شیراز با وضعیت‌های تأهل مختلف بود که از میان آنان، ۶۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ و پرسشنامه اختلال اضطراب جدایی مانی‌کاواساگر و همکاران (۲۰۰۳) بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و اضطراب جدایی توان پیش‌بینی معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه را دارد. همچنین، افزایش اضطراب جدایی با شدت بیشتر طرحواره‌های ناسازگار اولیه همراه بود.

severity of early maladaptive schemas. The findings align with Young's schema therapy and attachment theory, suggesting that the failure to satisfy core emotional needs in childhood can pave the way for the formation of maladaptive schemas and vulnerability to separation. These results have implications for designing therapeutic interventions and preventive programs based on schema modification and the improvement of attachment relationships..

Keywords: Early Maladaptive Schemas, Separation Anxiety, Attachment Theory, Schema Therapy, Cognitive-Emotional Psychology.

یافته‌ها با مدل طرحواره‌درمانی یانگ و نظریه دلبستگی همسو است و نشان می‌دهد ناکامی در ارضای نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار و آسیب‌پذیری نسبت به جدایی شود. این نتایج می‌تواند در طراحی مداخلات درمانی و برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر اصلاح طرحواره‌ها و بهبود روابط دلبستگی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، اضطراب جدایی، نظریه دلبستگی، طرحواره‌درمانی، روان‌شناسی شناختی-هیجانی.

نوع مقاله: پژوهشی	دریافت: خرداد ۱۴۰۵	پذیرش: مرداد ۱۴۰۵
-------------------	--------------------	-------------------

مقدمه

اضطراب یکی از شایع‌ترین اختلالات هیجانی به شمار می‌آید و در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان، توجه زیادی از سوی پژوهشگران و درمانگران به آن معطوف شده است (حبیبیان و همکاران، ۱۴۰۱). در میان انواع گوناگون اضطراب، اضطراب جدایی جایگاه خاصی دارد؛ زیرا این نوع اضطراب صرفاً به دوران کودکی محدود نمی‌شود و می‌تواند تا نوجوانی و حتی بزرگسالی ادامه پیدا کند. پیامدهای آن نیز معمولاً شامل وابستگی شدید، ترس از طرد شدن و دشواری در برقراری و حفظ روابط بین‌فردی است (فریانت و همکاران، ۲۰۲۳). بر اساس راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی انجمن روان‌پزشکی آمریکا (۲۰۲۲) و معیارهای DSM-5-TR، اضطراب جدایی زمانی تشخیص داده می‌شود که فرد دچار ترس یا نگرانی افراطی در مورد جدایی واقعی یا خیالی از افراد مهم زندگی خود شود، به‌گونه‌ای که این حالت عملکرد او را در حوزه‌های تحصیلی، شغلی یا اجتماعی مختل کند (جی.اچ. پنینکس و همکاران، ۲۰۱۳).

در سال‌های اخیر، نظریه‌های شناختی-هیجانی، از جمله نظریه‌ی طرحواره‌درمانی یانگ، تلاش کرده‌اند تا ریشه‌های شناختی اضطراب را از دیدگاه تجربیات دوران کودکی و روابط والد-کودک توضیح دهند. بر اساس این دیدگاه، طرحواره‌های ناسازگار اولیه الگوهای عمیق و پایدار از باورها، احساسات و خاطرات هستند که در نتیجه‌ی برآورده‌نشدن نیازهای هیجانی اساسی کودک مانند امنیت، عشق، استقلال و پذیرش شکل می‌گیرند (سوژتا و استرزلتسکی، ۲۰۲۳). این طرحواره‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی بزرگسالی فعال می‌شوند و بر نحوه‌ی ادراک فرد از خود و دیگران تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان نمونه، فردی که در کودکی تجربه‌ی طرد یا بی‌ثباتی از سوی والدین داشته است، ممکن است طرحواره‌هایی نظیر رهاشدگی/طرد یا وابستگی/بی‌کفایتی را در خود پرورش دهد؛ طرحواره‌هایی که در بزرگسالی می‌توانند منجر به ترس شدید از تنها ماندن شوند (نایب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱).

در همین راستا، پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با افزایش سطح اضطراب، به‌ویژه اضطراب‌هایی که به روابط عاطفی مربوط می‌شوند، رابطه‌ای مثبت و معنادار دارند (آیدوگدو و همکاران، ۲۰۲۴). به‌طور خاص، حوزه‌های طرحواره‌ای «بریدگی/طرد» و «وابستگی/بی‌کفایتی» بیشترین همبستگی را با اضطراب‌های بین‌فردی و اضطراب جدایی نشان داده‌اند (طارق و همکاران، ۲۰۲۱).

از منظر نظریه‌ی دلبستگی بولبی (۱۹۸۸)، این ارتباط قابل درک است؛ زیرا تجارب ناایمن در روابط اولیه‌ی دلبستگی موجب شکل‌گیری طرحواره‌های شناختی ناسازگار درباره‌ی خود و دیگران می‌شود. این طرحواره‌ها هنگام مواجهه با موقعیت‌های تهدیدکننده‌ی جدایی فعال شده و به تشدید احساس اضطراب منجر می‌شوند. علاوه بر این، حبیبیان و همکاران (۲۰۲۱) در یک مطالعه‌ی مداخله‌ای نشان دادند که اجرای برنامه‌ی طرحواره‌درمانی گروهی می‌تواند به‌طور معناداری نشانه‌های اضطراب را در کودکان و نوجوانان کاهش دهد. مجموعه‌ی این یافته‌ها بیانگر آن است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه نه تنها با اضطراب ارتباط تنگاتنگی دارند، بلکه می‌توانند به‌عنوان هدف‌های درمانی مؤثر در مداخلات پیشگیرانه و اصلاحی مورد استفاده قرار گیرند.

با وجود شواهد موجود، هنوز خلأهایی در پژوهش‌های پیشین مشاهده می‌شود. نخست آن که، بخش عمده‌ای از مطالعات گذشته بر اختلالات اضطرابی عمومی یا اضطراب اجتماعی تمرکز داشته‌اند و رابطه‌ی خاص میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی به‌صورت مستقیم کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. دوم، در پژوهش‌های داخلی، تأثیر عواملی مانند جنسیت، سن و بافت فرهنگی در این رابطه هنوز به‌روشنی تبیین نشده است. با توجه به این نکات، به نظر می‌رسد اضطراب جدایی نباید صرفاً به‌عنوان یک واکنش هیجانی موقتی تلقی شود، بلکه باید آن را بازتابی از ساختارهای عمیق شناختی - هیجانی دانست که ریشه در طرحواره‌های ناسازگار اولیه دارند. از این رو، بررسی ارتباط میان این دو متغیر در بافت فرهنگی ایران، به‌ویژه میان زنان و مردان با تجارب خانوادگی متفاوت، می‌تواند به غنای نظری نظریه‌ی طرحواره‌درمانی و نیز به توسعه‌ی مداخلات درمانی مبتنی بر فرهنگ ایرانی کمک کند.

در همین راستا، پژوهش حاضر تلاشی است برای پاسخ به این پرسش‌ها که:

آیا بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی در بزرگسالان (دختران و پسران شهر شیراز) رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

در دهه‌ی گذشته، پژوهش‌های متعددی به بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در شکل‌گیری و تشدید اختلالات اضطرابی، از جمله اضطراب جدایی، پرداخته‌اند. در ایران نیز طی سال‌های اخیر، مطالعات کاربردی متعددی در زمینه‌ی طرحواره‌ها و مداخلات مبتنی بر طرحواره‌درمانی انجام شده است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مداخلات طرحواره‌محور و برنامه‌های آموزشی مرتبط می‌توانند در کاهش نشانه‌های اضطرابی و بهبود وضعیت روان‌شناختی نوجوانان مؤثر باشند. برای نمونه، پروتکل‌های طرحواره‌درمانی ویژه‌ی کودکان ۸ تا ۱۳ سال به‌طور معناداری در کاهش اضطراب آن‌ها موفق گزارش شده است (حبیبیان و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین، منجزی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی نشان دادند که طرحواره‌های ناسازگار والدین از طریق متغیرهای میانجی مانند تمایز یافتگی و طرحواره‌های نوجوانان با میزان اضطراب نوجوانان ارتباط دارند. افزون بر این، یافته‌های سلملیان و همکاران (۱۳۹۹) حاکی از آن است که مؤلفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اضطراب اجتماعی و همچنین با تحلیل رفتگی تحصیلی شامل خستگی، بدبینی و ناکارآمدی تحصیلی ارتباط معناداری دارند. در ادامه، نتایج پژوهش حسنی و زاده هیمن (۱۴۰۰) نیز نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌صورت مستقیم و نیز به‌طور غیرمستقیم از طریق عملکرد خانواده بر اضطراب اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این یافته‌ها در مجموع بیانگر آن هستند که طرحواره‌های ناسازگار اولیه نه تنها در شکل‌گیری اضطراب نقش دارند، بلکه می‌توانند از مسیرهای میانجی‌گر خانوادگی و شناختی، شدت آن را نیز افزایش دهند.

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که برخی حوزه‌های طرحواره‌ای، به‌ویژه حوزه‌های مربوط به طرد و وابستگی/بی‌کفایتی، ارتباط قوی‌تری با شدت علائم اضطرابی در کودکان و نوجوانان دارند. به‌عنوان نمونه، در پژوهشی بر روی نوجوانان دارای مشکلات بالینی مشخص شد که ارزیابی بالاتر طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سطوح بالاتر ناراحتی و نشانه‌های اضطرابی همراه است (طارق و همکاران، ۲۰۲۱). افزون بر این، یافته‌های پژوهش‌های اخیر در نمونه‌های دانشگاهی و بالینی نشان می‌دهند که برخی دامنه‌های مشخص از طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌ی علائم اضطرابی - اجتماعی و دیگر زیرگونه‌های اضطراب باشند (آیدوگدو و همکاران، ۲۰۲۴). در حوزه‌ی ارتباط مستقیم میان طرحواره‌ها و اضطراب جدایی نیز، مطالعات ترکیبی و مقطعی در کشورهای مختلف، رابطه‌ای معنادار میان ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سطوح اضطراب جدایی گزارش کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تجارب تربیتی و کیفیت روابط والد - کودک می‌توانند از طریق شکل‌دهی طرحواره‌های ناسازگار، بر میزان اضطراب جدایی اثر بگذارند (فرجی و اوزن، ۲۰۲۱).

با این حال، پژوهش‌های بین‌المللی در خصوص مکانیسم‌های واسطه‌ای این رابطه، همچون نقش الگوهای دلبستگی، تنظیم هیجان یا ویژگی‌های شخصیتی فرد، هنوز به نتایج یکسانی نرسیده‌اند. برخی یافته‌ها شواهدی دال بر میانجی‌گری طرحواره‌ها در بروز اضطراب ارائه کرده‌اند، در حالی که گروهی دیگر از مطالعات، نقش مستقیم و مستقل طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در تبیین اضطراب برجسته کرده‌اند.

با وجود تحقیقات انجام شده، خلأها و نتایج متناقضی نیز آشکار است. نخست، شمار کمی از پژوهش‌ها به‌طور ویژه بر «اضطراب جدایی» (نه اضطراب عمومی یا اضطراب اجتماعی) و ارتباط صرف با طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نمونه‌های نوجوانی تمرکز کرده‌اند؛ بسیاری از مطالعات یا روی بزرگسالان متمرکزند یا اضطراب را به‌صورت کلی بررسی کرده‌اند، لذا شواهد مستقیم درباره‌ی ساختارهای طرحواره‌ای مرتبط با اضطراب جدایی محدود است. بنابراین، پژوهش حاضر که رابطه‌ی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی را در نمونه‌ی دختران و پسران شیراز بررسی می‌کند، می‌تواند دو نیاز پژوهشی را پاسخ دهد: ۱) فراهم آوردن داده‌های مستقیم درباره‌ی ارتباط طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اضطراب جدایی در جمعیت نوجوان ایرانی و ۲) روشن کردن نقش جنسیت و سازوکارهای میانجی که در ادبیات فعلی ناکافی یا متناقض گزارش شده‌اند.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که با هدف بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی در بزرگسالان شهر شیراز انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل افراد بزرگسال ۱۸ تا ۴۱ سال با وضعیت‌های تأهل مختلف (مجرد، متأهل، مطلقه و بیوه) بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۶۰ نفر (۲۶ زن و ۳۴ مرد) به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. بازه سنی شرکت‌کنندگان در چهار گروه ۱۸ تا ۲۳، ۲۴ تا ۲۹، ۳۰ تا ۳۵ و ۳۶ تا ۴۱ سال طبقه‌بندی شد. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل بازه سنی ۱۸ تا ۴۱ سال، برخورداری از سواد کافی برای تکمیل پرسشنامه‌ها، عدم تشخیص اختلال شدید روان‌پریشی یا ناتوانی ذهنی و ارائه رضایت آگاهانه بود. ملاک‌های خروج نیز شامل عدم تکمیل کامل پرسشنامه‌ها، گزارش مصرف داروهای روان‌پزشکی تأثیرگذار بر خلق و اضطراب در زمان اجرا و تجربه رویدادهای آسیب‌زای شدید (نظیر طلاق یا فقدان در ماه گذشته) در نظر گرفته شد.

برای گردآوری داده‌ها از دو ابزار استفاده شد. نخست، فرم ۷۵ سؤالی پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ) به کار رفت که پانزده طرحواره مختلف (نظیر رهاشدگی، بی‌اعتمادی، نقص/شرم، وابستگی و ...) را با طیف شش‌گزینه‌ای (۱: کاملاً غلط تا ۶: کاملاً درست) می‌سنجد. دوم، پرسشنامه اختلال اضطراب جدایی مان‌کاواسگار و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شد که دارای ۲۷ گویه در پنج مؤلفه (اضطراب جدایی، نگرانی درباره روابط، صحبت کردن افراطی، آشفتگی خواب و نگرانی از

صدمه به اطرافیان) است و بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (۰: هرگز تا ۴: اغلب اوقات) نمره‌گذاری می‌شود؛ دامنه نمرات این ابزار بین ۰ تا ۱۰۸ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده شدت بیشتر اضطراب جدایی است. روایی محتوایی، صوری و ملاکی این ابزار در پژوهش مولایی و همکاران (۱۳۹۷) مناسب ارزیابی شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، بالاتر از ۰/۷۰ گزارش شده است.

اجرای پژوهش به صورت میدانی و حضوری انجام گرفت. ابتدا فرایند مطالعه و اهداف آن برای شرکت‌کنندگان شرح داده شد و با کسب رضایت آگاهانه، پرسشنامه‌ها در اختیار آنان قرار گرفت. شرکت‌کنندگان در مدت‌زمانی حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه به گویه‌ها پاسخ دادند. در راستای ملاحظات اخلاقی، اصل محرمانگی با استفاده از کدهای شناسایی به جای نام رعایت شد، مشارکت به صورت داوطلبانه و اختیاری بود و امکان انصراف در هر مرحله برای شرکت‌کنندگان محفوظ ماند. داده‌های ناقص یا دارای پاسخ‌های غیرواقع‌بینانه از تحلیل نهایی حذف شدند. در نهایت، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان تحلیل شدند.

یافته‌ها

ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه مورد بررسی قرار گرفت تا تصویری کلی از وضعیت اجتماعی و خانوادگی نمونه به دست آید. داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در بخش آمار توصیفی، میانگین، انحراف معیار و پیش‌فرض‌های رگرسیون بررسی شدند و در بخش استنباط آماری، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. در این قسمت، با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام، فرضیه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این بخش، ابتدا اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه نمونه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این اطلاعات به منظور ارائه تصویری شفاف از فراوانی و درصد فراوانی جنسیت، وضعیت تأهل، سن و تحصیلات شرکت‌کنندگان در پژوهش فراهم می‌شود. سپس، اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش بررسی می‌شود که شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات، کجی و کشیدگی نمرات مربوط به متغیرها در گروه نمونه خواهد بود.

جدول ۱. فراوانی و درصد آزمودنی‌ها بر حسب اطلاعات جمعیت‌شناختی

مولفه	دامنه	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۱۸-۲۳ سال	۳	۵
	۲۴-۲۹ سال	۷	۷/۱۱
	۳۰-۳۵ سال	۲۰	۳/۳۳
	۳۶-۴۱ سال	۳۰	۵۰
	کل	۶۰	۱۰۰
جنسیت	زن	۲۶	۳/۴۳
	مرد	۳۴	۷/۵۶
	کل	۶۰	۱۰۰
تحصیلات	سیکل	۳	۵
	دیپلم	۱۳	۷/۲۱
	کارشناسی	۲۷	۳/۲۸
	کارشناسی ارشد	۱۷	۴۵
	کل	۶۰	۱۰۰

بررسی رابطه‌ی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی در دختران و پسران شیراز

مجرد	۳۳	۵۵
متاهل	۱۶	۷/۲۶
مطلقه	۳	۵
بیوه	۸	۳/۱۳
کل	۶۰	۱۰۰

با توجه به اطلاعات بدست آمده در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی نشان داد ۳ نفر معادل ۵٪ از شرکت‌کنندگان در دامنه‌ی سنی ۱۸-۲۳ سال و ۷ نفر معادل ۱۱/۷٪ نیز در دامنه‌ی سنی ۲۴-۲۹ سال و ۲۰ نفر معادل ۳۳/۳٪ نیز در دامنه‌ی سنی ۳۰-۳۵ سال و ۳۰ نفر معادل ۵۰٪ نیز در دامنه‌ی سنی ۳۶-۴۱ سال بوده‌اند، ضمن اینکه ۳ نفر معادل ۵٪ دارای تحصیلات سیکل و ۱۳ نفر معادل ۲۱/۷٪ دارای تحصیلات دیپلم، ۲۷ نفر معادل ۲۸/۳٪ دارای تحصیلات کارشناسی و ۱۷ نفر معادل ۴۵٪ نیز دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بوده‌اند. مطابق با نتایج موجود در جدول، ۲۶ نفر از آزمودنی‌ها زن که معادل ۴۲/۳٪ و ۳۴ نفر مرد که معادل ۵۶/۷٪ بودند. و در نهایت، ۳۳ نفر از آزمودنی‌ها مجرد معادل ۵۵٪ و ۱۶ نفر متاهل معادل ۲۶/۷٪ و ۳ نفر مطلقه معادل ۵٪ و در نهایت ۸ نفر بیوه معادل ۱۳/۳٪ بودند.

در این بخش، اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اطلاعات، به منظور دستیابی از وضعیت عملکرد شرکت‌کنندگان در متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود و بنابراین مسیر را برای آزمون پژوهش هموار می‌سازد. بدین جهت، ابتدا میانگین، انحراف معیار، کوچکترین و بزرگترین نمرات مربوط به متغیرها در گروه نمونه ارائه می‌شود و سپس ماتریس همبستگی مرتبه صفر متغیرهای پژوهش بررسی می‌شود. بر این اساس، مندرجات جدول ۲ میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی نمره شرکت‌کنندگان در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	کجی	کشیدگی
نمره کل طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۳۷/۲۹۸	۷۲/۱۱	۷۵	۴۵۰	-۰/۷۳	-۰/۴۷
نمره کل اضطراب جدایی	۵۰/۴۹	۳۸/۲	۰	۱۰۸	-۰/۲۸	-۰/۶۹

با توجه به اطلاعات بدست آمده در جدول ۲ نتایج حاصل از جدول نشان داد که میانگین نمره کل طرحواره‌های ناسازگار اولیه (۳۷/۲۹۸) و میانگین نمره کل اضطراب جدایی (۵۰/۴۹) است. نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که میزان کشیدگی و کجی برای متغیرهای پژوهش در دامنه مناسب یعنی ۱- تا ۱+ قرار دارد که بیانگر توزیع نرمال نمرات متغیرهای مورد پژوهش است و بر این اساس می‌توان به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش در قالب آزمون‌های پارامتریک پرداخت. قبل از وارد شدن به مرحله آزمون فرضیه‌ها لازم است تا از وضعیت نرمال بودن داده‌ها اطلاع حاصل شود تا بر اساس نرمال بودن یا نبودن آنها، آزمون‌ها استفاده شود. نتایج آزمون شاپیرو-ویلکز برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول ۲. آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش بر اساس متغیرهای پژوهش

متغیر	شاپیرو-ویلکز	درجه آزادی	سطح معناداری
نمره کل طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۰/۰۹	۵۹	۰/۲۶
نمره کل اضطراب جدایی	۰/۱۲	۵۹	۰/۳۸

جدول ۳ نتایج آزمون نشان می دهد که در این آزمون هرگاه سطح معناداری متغیرها بیشتر و بزرگتر از ۰/۰۵ باشد می توان گفت داده ها دارای توزیع نرمال هستند. لذا همانطور که مشاهده می شود همه متغیرها سطح معناداری آنها بزرگتر از ۰/۰۵ است، پس فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع نمرات در کلیه متغیرها باقی است. یعنی توزیع نمرات نمونه، نرمال و همسان با جامعه است و کجی و کشیدگی حاصل اتفاقی است (همه سطوح معنی داری بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد). در نهایت شرایط برای استفاده از آزمون های پارامتریک آماده است.

برای بررسی هم خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش از آزمون تلورانس و Vif استفاده شده است. نتایج آزمون تلورانس (تحمل) و نزدیکی آن به عدد یک، نشان می دهد هم خطی بین این متغیرها وجود دارد. همچنین آماره Vif (عامل تورم واریانس) هر چه قدر از ۱۰ بیشتر باشد هم خطی بیشتر است. که نتایج نشان می دهد هم خطی بسیار بین دو متغیر پیش بین پژوهش وجود دارد. نتایج در جداول زیر آمده است. به طور کلی، نتایج ارائه شده در این بخش نشان می دهد که تمامی مفروضه های اساسی برقرار است.

جدول ۴. بررسی هم خطی متغیر پیش بین اضطراب جدایی

متغیر مستقل	تلورانس	VIF
اضطراب جدایی	۰/۹۵	۸۰/۱۰

به منظور بررسی فرضیه اصلی پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد که نتایج آن در جدول های ۵ و ۶ آمده است.

در این بخش، روابط دو متغیری بین متغیرهای مشاهده پذیر با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. در جدول ۵ نتایج حاصل از بررسی این روابط در چهارچوب ماتریس همبستگی مرتبه صفر متغیرها ارائه شده است.

جدول ۵. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	نمره کل طرحواره های ناسازگار اولیه	نمره کل اضطراب جدایی
نمره کل طرحواره های ناسازگار اولیه	۱	
نمره کل اضطراب جدایی	۰/۶۷**	۱

*P<0.01 **P<0.05

نتایج جدول فوق نشان می دهد که بین متغیرهای نمره کل اضطراب جدایی با نمره کل طرحواره های ناسازگار اولیه رابطه معنی دار وجود دارد. بررسی رابطه میان متغیرهای پژوهش نشان می دهد که بین نمره کل اضطراب جدایی ($P<0.01$) و $r=0.67$ با نمره کل طرحواره های ناسازگار اولیه همبستگی معنادار دارند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون گویای این بود که رابطه معنی داری بین نمره کل اضطراب اجتماعی با نمره کل طرحواره های ناسازگار اولیه مشاهده شد.

جدول ۶. آزمون رگرسیون جهت پیش بینی طرحواره های ناسازگار اولیه

متغیر ملاک: طرحواره های ناسازگار اولیه							
متغیر پیش بین	R	R ²	F	P	β	T	P
اضطراب جدایی	۰/۴۸	۰/۲۳	۵/۳۹	۰/۰۰۱	۰/۳۶	۲/۲۹	۰/۰۰۱

با توجه به جدول ۶ همان گونه که مشاهده می شود افزایش اضطراب جدایی ($P < 0.05$, $\beta = 0.36$) به صورت مثبت و معنادار پیش بینی کننده طرحواره های ناسازگار اولیه است. لازم به ذکر است که مجموع متغیرهای پیش بین ۲۳ درصد از واریانس طرحواره های ناسازگار اولیه را تبیین کرده است.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و اضطراب جدایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و اضطراب جدایی توانست حدود ۲۳ درصد از واریانس طرحواره‌های ناسازگار اولیه را تبیین کند. این یافته که حاکی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی اضطراب جدایی در بروز طرحواره‌هاست، با دیدگاه‌های طرحواره‌درمانی یانگ و نظریه دلبستگی بالبی کاملاً همسو است؛ بدین معنا که ناکامی در ارضای نیازهای هیجانی اساسی و تجارب ناایمن در روابط اولیه والد-کودک، زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوهای شناختی-هیجانی آسیب‌زا می‌شود که در بزرگسالی به صورت اضطراب‌های رابطه‌محور بروز می‌یابند. این نتایج با یافته‌های پژوهشگران داخلی نظیر حبیبیان و همکاران، منجزی و همکاران و سلمیان و همکاران، و همچنین مطالعات بین‌المللی مانند طارق و همکاران و آیدوگدو و همکاران همخوانی دارد و تأیید می‌کند که اضطراب جدایی نه یک حالت گذرا، بلکه بازتابی از ساختارهای عمیق شناختی است. از نظر بالینی، این نتایج اهمیت شناسایی زودهنگام طرحواره‌ها را در طراحی مداخلات درمانی هدفمند برجسته می‌سازد. درمانگران می‌توانند با تمرکز بر اصلاح طرحواره‌هایی نظیر رهاشدگی، وابستگی و بی‌کفایتی، به مراجعان در جهت افزایش احساس امنیت درونی و کارآمدی در روابط بین‌فردی کمک کنند. همچنین، در سطح پیشگیری، آموزش والدین و مربیان مدارس در راستای شناخت نیازهای هیجانی و ایجاد محیط‌های امن، نقش کلیدی در کاهش اضطراب‌های مزمن و پیشگیری از شکل‌گیری ساختارهای ناکارآمد دارد. در خصوص محدودیت‌های پژوهش، باید اشاره کرد که به دلیل ماهیت توصیفی-همبستگی مطالعه و استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به کل جمعیت بزرگسال ایران با احتیاط همراه است و استنباط روابط علی و معلولی قطعی از این داده‌ها محدودیت‌هایی دارد؛ لذا پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از طرح‌های طولی و روش‌های ترکیبی (مانند تحلیل روایت) استفاده شود. بررسی نقش میانجی متغیرهایی نظیر سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان، و همچنین انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای در بافت‌های فرهنگی گوناگون ایران، می‌تواند به غنای نظری و بالینی مدل‌های موجود کمک کند. نهایتاً، طراحی مطالعات مداخله‌ای که تأثیر برنامه‌های آموزشی مبتنی بر اصلاح طرحواره را در کاهش اضطراب جدایی در گروه‌های سنی مختلف (از کودک تا سالمند) ارزیابی می‌کنند، گام مهمی برای ارتقای سلامت روان و بهبود روابط عاطفی مراجعان در آینده خواهد بود.

منابع

- [۱] باسیتی، ش.، و محتشمی، م. ه. (۱۴۰۰). اثر ابعاد شناختی و رفتاری اضطراب اجتماعی بر استفاده آسیب‌زا از اینترنت با میانجیگری نقش‌های جنسیتی. فصلنامه روان‌شناسی اجتماعی، ۱۱(۴۳)، ۱۶۷-۱۸۶.
- [۲] حبیبیان، ن.، میرزاحسینی، ح.، و منیرپور، ن. (۱۴۰۲). مقایسه اثربخشی طرحواره‌درمانی و درمان شناختی رفتاری بر کاهش افسردگی کودکان ۸ تا ۱۳ سال: یک مطالعه راهنما. سلامت اجتماعی، ۱۰(۲)، ۲۱-۳۶.
- [۳] سلملیان، ه.، ملکی پیربازاری، م.، و صالحی، س. (۱۳۹۹). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه دانش‌آموزان با تحلیل‌رفتگی تحصیلی و اضطراب اجتماعی آنان (یک پژوهش همبستگی بنیادی). علوم تربیتی، ۲۷(۱).
- [۴] نایب‌زاده، س.، ابوالقاسمی، ع.، کافی ماسوله، م.، و خسروجاوید، [نام کوچک نامشخص]. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش تنظیم هیجان بر رفتارهای انطباقی/اجتماعی نوجوانان دارای اختلال اضطراب جدایی. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۱۲(۴۶)، ۱۱۱-۱۳۸.
- [۵] صلواتی، م.، و یکه‌یزدان‌دوست، ر. (۱۳۸۹). طرحواره‌درمانی: راهنمای ویژه متخصصان روان‌شناسی بالینی. [نام ناشر نامشخص].
- [۶] حسنی، ک.، و زاده‌هیمن، ن. (۱۴۰۲). ارائه الگوی ساختاری اضطراب اجتماعی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجیگری عملکرد خانواده. خانواده و پژوهش، ۲۰(۴)، ۱۱۹-۱۳۸.
- [۷] مولایی، م.، حاجلو، ن.، صادقی هشین، گ.، میکائیلی، ن.، و حیدری، ش. (۱۳۹۷). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه اختلال اضطراب جدایی در بزرگسالان در دانشجویان. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۷(۱)، ۷۷-۸۶.
- [8] American Psychiatric Association. (2022). Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed., text rev.; DSM-5-TR). American Psychiatric Association.
- [9] Aydoğdu, B. E., & Yılmaz Samancı, A. E. (2024). Examining social anxiety symptoms with early maladaptive schemas: The mediating role of mindfulness and self-compassion. *Turkish Journal of Psychiatry*, 35(4), 282–294. <https://doi.org/10.5080/u26595>
- [10] Bowlby, J. (1988). A secure base: Parent-child attachment and healthy human development. Basic Books.
- [11] Faraji, H., & Özen, Z. D. (2022). The relationship between early maladaptive schemas, separation anxiety and emerging adult individuation level. *Toros Üniversitesi İİSBF Sosyal Bilimler Dergisi*, 9(17), 51–79. <https://doi.org/10.54709/iisbf.1176829>
- [12] Feriante, J., Torrico, T. J., & Bernstein, B. (2023). Separation anxiety disorder. National Center for Biotechnology Information. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books>
- [13] Manicavasagar, V., Silove, D., Wagner, R., & Drobny, J. (2003). A self-report questionnaire for measuring separation anxiety in adulthood. *Comprehensive Psychiatry*, 44(2), 146–153.
- [14] Monjezi, F., Asadpour, E., Rasouli, M., & Zaharakar, K. (2024). The effect of schema therapy-based group counseling on reducing psychological distress in adolescents of divorce. *Journal of Applied Psychological Research*, 15(3), 161–179. <https://doi.org/10.22059/japr.2024.344238.644299>
- [15] Penninx, B. W. J. H., Pine, D. S., Holmes, E. A., & Reif, A. (2021). Anxiety disorders. *The Lancet*, 397(10277), 914–927.
- [16] Pilkington, P. D., Karantzas, G. C., Faustino, B., & Pizarro-Campagna, E. (2023). Early maladaptive schemas, emotion regulation difficulties and alexithymia: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1002/cpp.2914>
- [17] Sójta, K., & Strzelecki, D. (2023). Early maladaptive schemas and their impact on parenting: Do dysfunctional schemas pass generationally? A systematic review. *Journal of Clinical Medicine*, 12(4), 1263. <https://doi.org/10.3390/jcm12041263>
- [18] Tariq, A., Quayle, E., Lawrie, S. M., Reid, C., & Chan, S. W. Y. (2021). Relationship between early maladaptive schemas and anxiety in adolescence and young adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.09.031>